



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ
بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ
فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا
وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا
حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَتُمْنِعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

استفتائات احکام اعتکاف

به ضمیمه اعمال و آداب
اعتکاف در ماه رجب

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)



انتشارات فقه الثقلین

قم: خیابان شهید محمد منتظری/ک/۸ پ ۸ - ص پ: ۹۶۷ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۷۸۳۲۸۰۲ تلفکس: ۷۸۳۲۸۰۳ (۰۲۵۱)

www.feqh.org

استفتائات احکام اعتکاف

(به ضمیمه اعمال و آداب اعتکاف در ماه رجب)

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)

تدوین: مؤسسه فرهنگی - هنری فقه الثقلین

طراح جلد و صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی

لیتوگرافی و چاپ: کوثر / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۸ / بها: ۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۸ - ۰۹ - ۵۲۸۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مراکز پخش:

فروشگاه اینترنتی کتاب: www.sababook.ir

پخش کتاب دریای دانش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر

رازی، کوی فاتحی داریان، پلاک ۳۹

تلفن: ۷ - ۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۵۸۰۰ ۱۷۲ ۰۹۱۲

فهرست مطالب

۷ مقدمه

*

بخش اول

در احکام اعتکاف / ۱۵

۱۵ شرایط و احکام اعتکاف

۱۷ نیت اعتکاف

۲۰ مدت اعتکاف

- روزه گرفتن در اعتکاف ۲۱
- مکان اعتکاف ۲۴
- اعتکاف در مساجد ۲۶
- خروج معتکف از مسجد ۲۹
- انصراف از اعتکاف ۳۶
- محرّمات اعتکاف ۳۸

*

بخش دوم

در فضیلت ایام البیض و اعمال و آداب اعتکاف / ۴۷

- فضیلت ماه رجب و لیالی بیض ۴۷
- اما اعمال وارده در لیالی بیض: ۴۸
- سبب نامگذاری «عمل أمّ داود» ۵۶
- کیفیت «عمل أمّ داود»: ۵۹
- دعای «أمّ داود»: ۶۱

مقدمه

﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ
لِلطَّائِفِينَ وَالْمَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۱

«و ما به سوی ابراهیم و اسماعیل وحی فرستادیم
که: خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و معتکفان
و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه
سازید.»

ماه رجب اولین ماه از فصل عبادت و نیایش به
درگاه خداوند تعالی است. در این ماه با بندگی و
سرسپردگی و تسویه نفس در پیشگاه آستان قدس الهی،
بارقه‌های امید و عفو و رحمت خداوندی در شب‌های
قدر ماه مبارک رمضان و درک آن شب‌ها و به دست
آوردن ثواب هزار ماه در انسان زنده می‌شود.

۱ . بقره (۲): ۱۲۵.

ماه رجب، ماه ولایت و ولادت «باب علم»^۱ رسول خداست. ماه پاداش گرفتن از خوشه‌های پر برکت خرمن سایه سار امامت مولای متقیان امام علی علیه السلام است. ماه تمسک و موذت به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

ماه رجب، ماه خدا و ماه پیمودن پله‌های سلوک و تقرّب به خداست، ماه اعتکاف و راز و دعاست. آدمی با حضور در صحن و سرای خالق مهربان، طهارت و معرفت را در شبستان وجود خود تمرین می‌دهد و زنگارهای گناه و آلودگی را از آینه جان خود می‌زداید.

معتکف حضورش در مسجد، و روزه و نماز و نیایشش مایه قرب و وصال به خداست. معتکف با اعتکاف و مصمّم شدن بر حضور خود در خانه‌ی دوست، جسم و جان خود را پرورش می‌دهد، آن جان آدمی که در ابعاد وجودی انسان به دنبال کمال و

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أنا مدينة العلم و علي بابها و هل تدخل المدينة الا من بابها؟» بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

سعادت است.

«الهي هب لي كمال الانقطاع اليك؛ خدایا به من

نهایت بُریدگی از غیر خودت را هدیه نما».

شیرینی و زیبایی این کمال، نشستن بر سر سفره‌ای است که از مغفرت و بخشایش الهی گسترده شده و عاشقان کوی دوست از این سفره‌ی پر فیض معبود خود لقمه‌های راز و نیاز برچینند و خود را از ژرفای معنویت و تقرب به پروردگار خویش بهره‌مند نمایند.

اعتکاف آمیزه‌ای از چندین عبادت با فضیلت است. ترکیب اعمال و اذکار عبادی در حداقل سه روز اقامت در مسجد به گونه‌ای همه‌ی شرایط تمرین بندگی و جهاد با نفس را در انسان به وجود آورده که دل بریدگی و غفلت زدایی و صیقل روح و روان و پالایش خلوص و نردبان صعود و قطع تعلقات و دلبستگی دنیوی بهترین ارمغان آن است.

اعتکاف محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۹.

است. اعتکاف عهد مودت و میثاق مجدد با پروردگار
رحمن و رحیم است. اعتکاف گرچه عبادتی مستحبی و
داوطلبانه است اما فرصتی است برای گریز از لذایذ دنیا
و مهار نفس برای بازگشت به خویشتن و تقرّب جستن
به حضرت حق و روی آوردن به سمت و سوی قلب و
قبله خداوند هستی.

بدون شكّ - با توجه به آیه شریفه سوره بقره -
اعتکاف یکی از سنت‌های الهی است که در شریعت
حضرت ابراهیم علیه السلام از مناسک و عبادات الهی محسوب
می‌شد و اُمّت ابراهیمی هم بدان اهتمام می‌ورزیدند، و
لذا حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل علیهما السلام از طرف
خداوند موظّف شدند تا محیط امن خانه الهی را برای
برپایی چنین مراسمی مهیا سازند. در عین حال، اهمیت و
ارزش و بزرگی این امر زمانی روشن‌تر خواهد شد که
آیه شریفه «اعتکاف کنندگان» را در کنار «طواف
کنندگان» و «رکوع و سجده کنندگان» قرار داده است:
﴿لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ بنابراین، حضرت
دوست با این بیان بر عظمت و ویژگی اعتکاف در

پیشگاه خود گواهی داده است.

از اینجاست که بزرگانی چون مقدّس اردبیلی رحمته الله علیه در شرافت و فضیلت اعتکاف می فرماید: «مبادا کسی گمان کند اعتکاف مقدّمه عباداتی دیگر است، بلکه کسی که با طهارت و در حال روزه در مسجد مقیم می شود و قصد قربت را در اعتکاف نیت می کند این عمل خود عبادت است»^۱.

همچنین از آیات قرآن مجید استفاده می شود که: حضرت موسی علیه السلام در خلوتگاه کوه طور و حضرت زکریا در بیت المقدس و حضرت مریم علیها السلام نیز که در کفالت حضرت زکریا علیه السلام بوده است^۲ در همان مکان

۱. مجمع الفائدة، ج ۵، ص ۳۵۱.

۲. آیه ۳۷ سوره آل عمران می فرماید: «وَكَلَّمَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»
«[خداوند] و کفالت او [مریم] را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟ گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس که بخواهد، بی حساب روزی می دهد».

اعتکاف می کردند و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می شدند.

علامه طباطبایی رحمته الله در ذیل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره مریم^۱ می فرماید: «گویا مقصود از دوری مریم از مردم، بریدن آنان و روی آوردن به اعتکاف برای عبادت بوده است»^۲.

اجداد و نیاکان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که از پیروان دین حنیف ابراهیم خلیل حق بودند اما کنی را برای خلوت و به دور از مردم برگزیده و به اعتکاف می پرداختند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر همین روش قبل از بعثت در غار حراء در خلوت خویش معتکف می شد و به عبادت و راز و

۱. «وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَاناً شَرْقِيّاً» ۱۶ «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَاباً فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيّاً» ۱۷؛ «و در این کتاب، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه ی شرقی [بیت المقدس] قرار گرفت؛ و در میان خود و آنان حجابی افکند [تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد] در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم، و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد.»

۲. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴ به بعد.

دعا با خدای خویش مشغول می‌گشت.

بعد از بعثت هم رسول خدا ﷺ در طول سال، ایامی را برای اعتکاف در مسجد به سر می‌بردند و ائمه طاهرین علیهم‌السلام نیز علاوه بر خود، مؤمنین را هم به اعتکاف در مساجد ترغیب می‌نمودند.

باشد که ما نیز از سفره‌ی فیوضات الهی مخصوصاً در ماه رجب (ماه خدا) و شعبان (ماه رسول خدا) و رمضان (ماه اُمت رسول خدا) بهره‌مند باشیم و ایزد متعال را بر توفیق استفاده و دریافت از این عبودیت و معنویت سپاس و ثناء گوئیم.

مجموعه حاضر به منظور دسترسی سریع و آسان معتکفین و سالکان طریقت بندگی، در دو بخش مرتبط به هم در واحد مطالعات و تحقیقات مؤسسه فرهنگی فقه‌التقلین تدوین گشته است:

بخش اول: در استفتائات مسایل و احکام اعتکاف است که مقلدین مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی صانعی مدظله العالی از محضر مبارک معظم له داشته‌اند و واحد پاسخگویی به استفتائات دفتر معظم له،

مطابق با فتاوی فقیه اهل بیت عصمت و طهارت آنها را تنظیم
نموده تا مورد استفاده معتکفان قرار گیرد.
بخش دوم: در فضیلت ایام البیض (سیزدهم،
چهاردهم و پانزدهم ماه رجب) و ذکر آداب و اذکار
اعتکاف است.

و الحمد لله و له الشکر
مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

بخش اول در احکام اعتکاف

استفتائات احکام اعتکاف از محضر فقیه عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی مدظلّه

شرایط و احکام اعتکاف

(س ۱) شرایط صحیح بودن اعتکاف چیست؟

ج - شرط صحّت اعتکاف عبارت است از:

۱ - عقل؛

۲ - نیت؛

۳ - روزه گرفتن در ایام اعتکاف؛

۴ - کمتر از سه روز نباشد و سه روز هم از

طلوع فجر روز اوّل تا غروب آفتاب روز سوم

محقق می شود؛

۵ - در یکی از مساجد اربعه باشد،
(مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه،
مسجد بصره) و در غیر این مساجد باید بقصد
رجا و امید ثواب و احتمال استحباب معتکف
شود؛

۶ - اذن کسی که اذنش معتبر است، مانند
مستأجر به نسبت به اجیر خاصش؛

۷- ماندن تمام ایام اعتکاف در مسجد و خارج
نشدن از مسجد، مگر برای ضرورت و کارهای
مطلوب و مرغوب شرعی.

(س ۲) آیا «ایمان» از شرایط اعتکاف است یا
«اسلام»؟

ج - اسلام کفایت می‌کند.

(س ۳) آیا در اعتکاف شرط بلوغ لازم است یا خیر؟

ج - بلوغ شرط صحت اعتکاف نیست. بنابر این
اعتکاف غیر بالغ ممیز صحیح می‌باشد.

(س ۴) آیا اعتکاف کودک ممیز صحیح است؟

ج - اقوی صحت اعتکاف کودک ممیز است.

نیت اعتکاف

(س ۵) آیا در اعتکاف نیازی به قصد نمودن عبادات دیگر (علاوه بر نیت اعتکاف) هم هست؟

ج - آنچه برای اعتکاف شرط است نیت کردن خود اعتکاف است.

(س ۶) آیا در اعتکاف واجب و مستحب، قصد وجوب یا استحباب لازم است؟

ج - همین که نیت اعتکاف می کند کفایت می کند، بلکه نیت وجوب برای اعتکاف معنا ندارد.

(س ۷) اگر از روی اشتباه برای اعتکاف واجب، نیت استحباب نماید (یا بالعکس) تکلیف چیست؟

ج - ضرری به اعتکاف نمی زند و صحیح است.

(س ۸) آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب، لازم است؟

ج - تجدید نیت لازم نیست، اگر چه بهتر آن است که در روز سوم، نیت را تجدید کند.

(س ۹) زمان نیت اعتکاف چه وقتی می باشد؟ آیا اول شب

می‌توان نیت کرد؟

ج - وقت نیت، قبل از فجر است، و اما اگر از اول شب هم اعتکاف را شروع می‌کند می‌تواند نیت کند.

(س ۱۰) بهترین وقت اعتکاف در روایات وارده دهه آخر رمضان است و این که مرسوم شده در «ایام البیض» شهر رجب، عده‌ای اعتکاف می‌نمایند، تا چه حد در روایات و اخبار، وارد شده است؟ آیا «ایام البیض» ماه رجب، خصوصیتی دارد؟

ج - در روایات دیگر نسبت به «أشهر حُرْم» هم آمده و رجب هم از «أشهر حُرْم» است، و «ایام البیض» رجب برای اعتکاف، خصوصیتی ندارد. (س ۱۱) اعتکاف در چه موقعی واجب و چه موقعی مستحب است (موارد وجوب و استحباب)؟

ج - اعتکاف به خودی خود مستحب است؛ و به خاطر مواردی چون نذر و عهد و قسم و اجاره و غیر آنها واجب می‌شود.

(س ۱۲) مستحبات اعتکاف چیست؟

ج - عبادت، دعا و ذکر است.

(س ۱۳) آیا اعتکاف را به نیابت از کسی که مرده است و یا به نیابت از کسی که زنده است می توان انجام داد؟
ج - آری می توان.

(س ۱۴) آیا زنها می توانند معتکف شوند؟ اگر در روزهای عادت، قرص بخورند تا از حالت عادت خارج شده و روزه آنها صحیح باشد و معتکف شوند چه صورت دارد؟

ج - فی حدّ نفسه مانعی ندارد.

(س ۱۵) آیا زن باید برای اعتکاف از شوهرش اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او با حق شوهر منافات نداشته باشد چگونه؟

ج - اگر منافات با حق استمتاع شوهر داشته باشد باید از شوهر اجازه بگیرد.

(س ۱۶) آیا فرزند باید برای اعتکاف از والدین خود اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او موجب اذیت و آزار یا زحمت آنها باشد چگونه؟

ج - اگر مستلزم اذیت و آزار آنها باشد؛ باید اجازه بگیرد و الا اذن آنها معتبر نیست.

مدت اعتکاف

(س ۱۷) آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب باشد؟

ج - مانعی ندارد؛ اما اگر پنج روز شد، روز ششم واجب است و همین طور هر دو روز که گذشت روز سوم واجب می‌شود.

(س ۱۸) آیا نذر اعتکاف کمتر از سه روز و همچنین نذر اعتکاف معینی که روز سوم آن عید قربان یا عید فطر باشد منعقد می‌شود؟

ج - منعقد نمی‌شود و اعتکاف کمتر از سه روز باطل است.

(س ۱۹) منظور از روز در اعتکاف چیست؟ آیا پایان روز، غروب آفتاب است یا مغرب؟

ج - وقت مغرب، همان غروب عرفی است که خورشید غروب می‌کند. بنابراین با استتار قرص خورشید، مغرب محقق شده و روز تمام می‌شود.

(س ۲۰) اگر کسی نذر کند سه روز منفصل اعتکاف کند، آیا نذرش منعقد می‌شود؟

ج - چون از شرایط اعتکاف، اتصال ایام است بنابراین، نذر منعقد نمی‌شود.

(س ۲۱) آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

ج - کفایت نمی‌کند و باید حدّ اقل سه روز پی در پی باشد.

روزه گرفتن در اعتکاف

(س ۲۲) الف - آیا هرگونه روزه ولو استیجاری و... برای اعتکاف کافی است؟

ب - اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود؛ آیا می‌تواند در همان ایام، روزه نذری یا استیجاری را که بر عهده او می‌باشد در همان اعتکاف به جا آورد؟ اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد آیا کفایت از روزه نذری یا اجاره‌ای می‌کند؟

ج - الف - آری کفایت می‌کند و آنچه در

اعتکاف معتبر است گرفتن روزه در ایام اعتکاف است نه روزه برای اعتکاف.

ج - ب - آری می‌تواند، اما اگر اعتکاف را نذر کرده باشد - با این قصد که روزه برای اعتکاف باشد - کفایت از نذر و اجاره نمی‌کند.

(س ۲۳) آیا اعتکاف مسافر صحیح است؟

ج - چون یکی از شرایط صحت اعتکاف گرفتن روزه می‌باشد، بنابر این اگر بتواند در سفر روزه بگیرد؛ مثل این که نذر کرده باشد که روزهای مشخصی را در سفر روزه بگیرد، اعتکاف صحیح می‌باشد؛ چون اعتکاف در سفر همانند حَضَر صحیح است.

(س ۲۴) آیا نذر روزه در سفر جهت صحت اعتکاف، نذر اعتکاف هم حساب می‌شود که اعتکاف واجب عینی شود یا خیر؟

ج - نذر روزه در اعتکاف، نذر اعتکاف نیست. بنابراین، اگر تخلف نمود، کفاره حنث نذر روزه را باید پردازد و روزه آن را اگر معین بوده، باید

قضا نماید.

(س ۲۵) آیا انسان می‌تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد؟

ج - آری می‌تواند.

(س ۲۶) کسی که نذر کرده است که در «ایام البیض»، در مسجدی خاص معتکف شود، آیا با فرض مسافر بودن او و این که نذر کرده که در صورت مسافر بودن هم روزه بگیرد، آیا نذرش منعقد شده است یا خیر؟ آیا درحالی که مسافر است اعتکافش صحیح است؟

ج - نذر روزه مستحبی در سفر اگر به قید سفر باشد، صحیح است؛ یعنی این که نذر کرده که «ایام البیض» رجب را در سفر روزه بگیرد؛ و در مورد اعتکاف همین قدر که بتواند در سفر روزه بگیرد اعتکافش هم درست می‌شود؛ چون اعتکاف در سفر همانند حَضْر، صحیح است.

(س ۲۷) شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدّس، بعد از رسیدن به مشهد و بدون قصد اقامت، نذر کرده سه روز روزه بگیرد، آیا چنین نذری صحیح است؟

ج - از این حیث نذرش صحیح است.

مکان اعتکاف

(س ۲۸) آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

ج - با فرض مطلوبیت مانعی ندارد.

(س ۲۹) آیا اعتکاف کسی که جای شخص دیگری را غصب کرده یا عمداً بر فرش غصبی نشسته، صحیح است؟

ج - اعتکاف با عوض کردن محلّ - بر فرض بطلان آن با غصبیت محلّ قبلی در مسجد - صحیح است گرچه مرتکب تضييع حقّ و غصب شده باشد.

(س ۳۰) اگر آجر و خاک مسجد یا لباس معتکف غصبی باشد، اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - اعتکاف صحیح است، اگر چه چنین فرضی برای مسجد که مورد توجه مؤمنین بزرگوار است بعید می‌باشد.

(س ۳۱) اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود ولی حال پشیمان شده و جای خود را عوض

کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره هم دارد یا خیر؟ اگر کسی را که زودتر از او وارد مسجد شده، بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

ج - اعتکاف با عوض کردن محلّ - بر فرض بطلان آن با غصبتّ محلّ قبلی در مسجد - صحیح است گر چه مرتکب تضييع حقّ و غصب شده باشد.

(س ۳۲) آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلّی از مسجد می‌شود؟
ج - ایجاد حقّ نمی‌کند.

(س ۳۳) اگر اعتکاف واجب خود را در مسجدی به جا آورد و بعداً بفهمد که اعتکاف در آنجا صحیح نبوده است، اعتکاف او چه حکمی دارد؟
ج - اعتکافش باطل است.

(س ۳۴) حکم حیاط مسجد برای معتکف چیست؟ آیا حکم خارج از مسجد را دارد یا حکم مسجد را؟
ج - حیاط مسجد اگر مسجد بودن آن احراز نشود، برای اعتکاف حکم مسجد را ندارد.

(س ۳۵) اگر مسجدی در کنار جاده‌ای در بیابان باشد و هر شب جمعه جمعیت زیادی برای مراسم دعای کمیل از شهرهای اطراف به آن جا بیایند، آیا آن مسجد حکم مسجد جامع را دارا می‌باشد؟
ج - حکم مسجد جامع را ندارد.

اعتکاف در مساجد

(س ۳۶) در چه مساجدی می‌توان اعتکاف نمود؟
ج - در مساجد اربعه می‌توان معتکف شد و نیز در هر مسجدی که رفت و آمد در آن زیاد باشد، به طوری که مسجد جامع محسوب گردد، به قصد رجا و امید ثواب و احتمال استحباب می‌توان معتکف شد.

(س ۳۷) تعریف مسجد جامع چیست؟ ملاک در تعیین مسجد جامع چیست؟ آیا ممکن است تعداد مساجد جامع یک شهر یا روستا متعدد باشد؟ آیا مساجد جامع ممکن است خیلی به هم نزدیک باشد؟ آیا در تهران بزرگ در مسجد جامع هر محله می‌توان اعتکاف کرد؟ آیا با حکم حاکم، جامع بودن مسجد معلوم می‌شود؟

ج - مسجد جامع، مسجدی عمومی است که محل اجتماع عامّه و توده مردم است و اختصاص به اهل یک محلّ یا گروهی خاصّ یا زمانی خاصّ نداشته باشد و ممکن است در یک شهر چندین مسجد جامع وجود داشته باشد.

(س ۳۸) آیا اعتکاف در غیرمساجد جامع؛ مثل نمازخانه و مساجد دانشگاه، رجاء اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحّت، آیا احکام اعتکاف از قبیل ترک محرّمات جاری می شود یا خیر؟

ج - اعتکاف در غیر مساجد جامع جایز نیست و رجاءً تنها در مسجد جامع جایز است نه مساجد محلّه و امکنه معینّه دیگر.

(س ۳۹) آیا این عبارت صحیح است؟ «پشت بام و سرداب و محراب مسجد، و هر چه به سبب توسعه مسجد بر آن افزوده شده جزو مسجد به حساب می آید، مگر آنکه بدانیم جزو مسجد نیست؛ یعنی در صورت شک، چنین جاهایی حکم مسجد را دارد.»

ج - آنچه که از سطح مسجد و سرداب و

محراب، جزو مسجد بوده تا مادامی که علم به خارج شدن آنها از مسجد بودن نباشد، حکم مسجد را دارد؛ اما آنچه اضافه شده تا یقین به جزو مسجد شدن آنها نباشد حکم مسجد را ندارد.

(س ۴۰) جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن، آیا حکم مسجد را دارد؟

ج - برای اعتکاف، حکم مسجد را ندارد.

(س ۴۱) اعتکاف در مکانهایی که شک داریم جزو مسجد است؛ مثل بام، سرداب، حیاط و مقداری که به مسجد افزوده شده، چه حکمی دارد؟

ج - باید یقین به جزو مسجد بودن داشته باشد.

(س ۴۲) آیا اعتکاف در دو مسجد متصل به هم - به طوری که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند - جایز است؟

ج - اگر هر دو مسجد، مسجد جامع باشند، طبق ملاکی که در جواب ۳۷ گذشت مانعی ندارد و آلا جایز نیست.

خروج معتکف از مسجد

(س ۴۳) اگر اعتکاف به سبب پیش آمدن مانعی به هم بخورد:

الف - آیا می‌توان همان اعتکاف را بعد از برطرف شدن مانع در همان مسجد به پایان برد؟

ب - آیا می‌توان آن را در مسجد دیگری ادامه داد؟

ج - الف - ب - بر فرض بطلان اعتکاف، از

سرگرفتن اعتکاف مجدد تابع شرایط خودش

می‌باشد؛ و اعتکاف در مسجد دیگر هم اگر

جامع باشد رجاء مانعی ندارد.

(س ۴۴) در چه مواردی معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود؟

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد

جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی که

متوقف بر خروج از مسجد است مانعی ندارد.

(س ۴۵) در چه مواردی واجب است که معتکف از مسجد

خارج شود؟ اگر در مواردی که واجب است خارج شود

ولی خارج نشود، آیا به اعتکاف او ضرری می‌زند؟

ج - برای مواردی که انجام آنها در مسجد ممکن نیست، نظیر بول و غایط کردن و غسل جنابت و غسل استحاضه و مانند این‌ها، و اگر در مسجد جنب شود خروج بر او واجب است و اگر خارج نشود اعتکافش باطل است.

(س ۴۶) خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل، چه حکمی دارد؟

- ۱ - برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن.
- ۲ - جهت تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف.
- ۳ - رفتن به بیرون مسجد و حیاط آن.

ج ۱ - مانعی ندارد؛ چون حاجت شرعی است، هر چند ضروری نیست.

ج ۲ و ۳ - باید توجه داشت که جواز خروج از مسجد، منوط به مطلوبیت و مرغوبیت شرعیّه است نه هر امری، ولو حاجت دنیویّه هم باشد، چه رسد که آن هم نباشد، و باید بین اعتکاف در مسجد و یا ماندن در خانه و زندگی فرق

باشد، و حکمت اعتکاف، دور شدن از مسایل
زندگی و ارتباط داشتن بیشتر با خالق است.
(س ۴۷) در هنگام خروج در موارد مجاز یا خروج ضروری
از محلّ اعتکاف:

الف - آیا می توان زیر سایه راه رفت؟ آیا می توان در سایه
نشست؟

ب - آیا انتخاب نزدیکترین مسیر واجب است؟

ج - الف - راه رفتن زیر سایه مانعی ندارد، اگر
چه بهتر این است که زیر سایه راه نرود، امّا
نشستن زیر سایه در صورت امکان جایز نیست.
ج - ب - احتیاط این است که نزدیکترین
طریق را انتخاب نماید.

(س ۴۸) در موارد زیر اگر عمداً و از روی اختیار در غیر
موارد مجاز از مسجد بیرون رود، اعتکاف او چه حکمی
دارد؟

الف - اگر جاهل به حکم باشد.

ب - اگر به سبب فراموشی یا اکراه از مسجد خارج شود.

ج - الف - ب - اگر جاهل به حکم باشد
اعتکافش باطل است، امّا اگر به سبب فراموشی

یا اکراه از مسجد خارج شود اعتکافش باطل
نیست.

(س ۴۹) اگر کسی در مسجد جنب شد آیا می‌تواند در
مسجد غسل کند؟ وظیفه او چیست؟

ج - نمی‌تواند، بلکه واجب است از مسجد خارج
شود.

(س ۵۰) اگر در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) جنب
شود وظیفه او چیست؟

ج - واجب است که تیمم نماید و برای غسل
کردن خارج شود.

(س ۵۱) توقف با حال جنابت در مسجد آیا ضروری به
اعتکاف می‌زند؟

ج - اعتکاف را باطل می‌کند.

(س ۵۲) خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه
حکمی دارد؟

الف - برای وضو،

ب - غسل مستحبی و مسواک زدن،

ج - جهت دیدار با خانواده در بیرون از محدوده مسجد،

د - جهت تلفن زدن به خانواده در موارد ضروری و امور

متعارف،

هـ - برای شرکت در دروس حوزه و دانشگاه،

و - نماز جماعت یا نماز جمعه.

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی که متوقف بر خروج از مسجد است مانعی ندارد، اما باید توجه نماید که بیش از حاجت بیرون نماند و بیرون ماندن به قدری طول نکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، مثل این که نصف روز بیرون بماند.

(س ۵۳) صحبت با تلفن همراه در داخل مسجد به منظور

تماس با خانواده در مدت اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - تماس تلفنی مضرّ به اعتکاف نبوده و مانعی ندارد؛ گرچه تماس با همسر به عنوان لذّت، ترکش مطلوب و مناسب با اعتکاف است.

(س ۵۴) با توجه به غسل مستحبّی روز سوم اعتکاف و

عدم وجود محلّ استحمام در داخل مسجد، وظیفه

معتکفان چیست؟

ج - اگر می‌تواند بیرون مسجد غسل را انجام

دهد، خارج شدن از مسجد جهت غسل، مانعی ندارد؛ چون خروج برای امری مطلوب است، لیکن نباید بیش از حاجت بیرون بماند و نباید به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، مثل این که نصف روز بیرون بماند.

(س ۵۵) معتکف در روز سوم اعتکاف برای غسل مستحبی از مسجد خارج می‌شود. آیا اعتکاف باطل می‌شود یا خیر؟ بر فرض بطلان، تنها قضا لازم است یا کفاره هم لازم می‌باشد؟

ج - خارج شدن از مسجد جهت غسل مستحبی مانعی ندارد؛ چون خروج برای امری مطلوب است، لیکن نباید بیش از حاجت بیرون بماند.

(س ۵۶) با توجه به این که محلّ سعی - بین صفا و مروه - جزو مسجد نیست، اگر شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در مسجد «تنعیم» مُحَرَّم شود و بقیّه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد؟

ج - خیر نمی‌تواند.

(س ۵۷) در حین اعتکاف، رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد، و دیگر قسمت‌ها وصحبت کردن و خندیدن چه حکمی دارد؟

ج - هر مسجدی که در آن اعتکاف صحیح است و همه مکانهای ذکر شده اگر جزو مسجد باشد، تغییر مکان و تحول ذکر شده در سؤال مضرّ به اعتکاف نیست و خندیدن و صحبت کردن اگر جدال و مباحثه برای کوبیدن طرف نباشد، مبطل اعتکاف نیست.

(س ۵۸) آیا شخص معتکف می‌تواند برای شرکت در نماز جمعه از مسجد محل اعتکاف خارج شود؟

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی که متوقّف بر خروج از مسجد است مانعی ندارد.

(س ۵۹) با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد آیا صرف غذا در سالن غذا خوری که در محوطه‌ی مسجد است برای معتکفین جایز است؟

ج - هر مسجدی که در آن اعتکاف صحیح است، و همه مکانهای ذکر شده اگر جزو

مسجد باشد، تغییر مکان و تحوّل ذکر شده در سؤال مضرّ به اعتکاف نیست.

(س ۶۰) آیا روحانی‌ای که معتکف شده می‌تواند برای امامت جماعت به مسجد دیگری و یا برای منبر رفتن به محلّ دیگر برود و به محلّ اعتکاف برگردد؟

ج - برای امامت جماعت مانعی ندارد، امّا منبر رفتن اگر عرفاً ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد، وّالّا نباید برود.

(س ۶۱) آیا کارمندان و معلّمین می‌توانند معتکف شوند و سر کلاس و محلّ کار رفته و سپس به مسجد برگردند؟
ج - خیر نمی‌توانند.

انصراف از اعتکاف

(س ۶۲) آیا در اعتکاف انصراف و رجوع جایز است؟

ج - اگر واجب معین باشد نمی‌توان رجوع کرد، اما اگر واجب موسّع باشد یا مندوب و مستحبّ باشد رجوع قبل از اكمال دو روز اوّل جایز است، امّا روز سوم رجوع جایز نیست.

(س ۶۳) آیا انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر برایش اتّفاقی افتاد یا مشکلی پیش آمد، اعتکاف را رها کند؛ مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد اعتکاف را رها می‌کنم؟ حتّی در روز سوم؟ آیا لازم است اتّفاق یا مشکل خاصی را در نظر بگیرد؟

ج - آری می‌تواند و لازم نیست عارض خاصی را در نظر بگیرد.

(س ۶۴) آیا در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکاف را رها می‌کنم؟

ج - آری می‌تواند.

(س ۶۵) آیا معتکف مجاز است که در هنگام نیت، شرط کند که هر وقت خواست حتّی در روز سوم، از اعتکاف برگردد؟ اگر بعد از نیت، حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

ج - معتکف می‌تواند هنگام نیت، چنین شرطی را متذکّر شود، اما اگر بعداً آن شرط را اسقاط کرد، ظاهر این است که این شرط ساقط نمی‌شود، اگر چه احتیاط در ترتیب آثار سقوط

چنین شرطی در اکمال دو روز اوّل است.

محرمات اعتکاف

(س ۶۶) انجام چه کارهایی در اعتکاف حرام است؟

ج - پنج چیز بر معتکف حرام است، لیکن احتیاطاً مستحب در ترک همه محرمات احرام^۱ است:

۱. محرمات احرام عبارتند از :

الف - محرمات مشترک بین مرد و زن : ۱. شکار حیوان صحرائی
۲. آمیزش و کامجویی جنسی ۳. عقد ازدواج و گواه شدن بر عقد ازدواج ۴. استمنا ۵. استعمال بوی خوش ۶. سرمه کشیدن ۷. نگاه کردن در آینه ۸. فسوق ۹. جدال ۱۰. کشتن حشرات ساکن در بدن ۱۱. انگشتر به دست کردن به قصد زینت ۱۲. روغن مالیدن به بدن ۱۳. ازاله مو از بدن خود یا دیگری ۱۴. بیرون آوردن خون از بدن ۱۵. ناخن گرفتن ۱۶. کندن دندان ۱۷. کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده ۱۸. سلاح در برداشتن.

ب - محرمات ویژه مردان : ۱. پوشیدن لباس دوخته ۲. پوشیدن جوراب، چکمه، گیوه و کفش ۳. پوشانیدن سر ۴. سایه قراردادن بالای سر خود.

ج - محرمات ویژه زنان : ۱. پوشیدن زیور به قصد زینت ۲. پوشانیدن صورت.

۱- امور شهویّه مربوط به زنان؛ مانند آمیزش و لمس کردن و بوسیدن؛

۲- استشمام بوهای خوش و یا گیاهان خوش بو و لذّت بردن از آنها؛
۳- استمنا؛

۴- خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، بنا بر أحوط؛

۵- مجادله و مباحثه برای کوبیدن طرف و غلبه بر او.

(س ۶۷) آیا در حال اعتکاف بوییدن عطریّات و گیاهان خوشبو برای لذّت بردن، حرام است یا اگر لذّت هم نبرد جایز نیست؟

ج - اگر برای لذّت بردن باشد حرام است.

(س ۶۸) اگر در اعتکاف معامله‌ای انجام دهد، آیا آن معامله صحیح است؟

ج - معامله صحیح است، اگر چه اعتکافش هم باطل می‌شود.

(س ۶۹) آیا در صورت نیاز و ضرورت می‌توان در اعتکاف

خرید فروش کرد؟ آیا در این امور توکیل یا نقل به غیر جهت بیع، لازم است؛ یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش نقل و انتقال کند؟

ج - اگر ضرورت عرفی برای نفس اعتکاف باشد و توکیل و یا نقل به غیر بیع ممکن نباشد، مانعی ندارد؛ اما اگر ضرورت برای غیر اعتکاف باشد این ضرورت مجوزی برای ارتکاب آن نمی‌باشد.

(س ۷۰) اشتغال به امور دنیوی مثل خیاطی و... در زمان اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - اگر برای امور دنیوی باشد باید ترک شود، و باید بین اعتکاف در مسجد با ماندن در خانه و زندگی فرق باشد و حکمت اعتکاف دور شدن از مسایل زندگی و ارتباط زیادتر با خالق است. (س ۷۱) چه کارهایی باعث باطل شدن اعتکاف می‌شوند؟

ج - ترک شروط ذکر شده در جواب سؤال «یک» موجب بطلان اعتکاف است؛ و همچنین

انجام بعضی از محرّمات مانند جماع و لمس و بوسیدن با شهوت هم باعث فساد و بطلان اعتکاف است.

(س ۷۲) کدام یک از موارد زیر به صحّت اعتکاف ضرر می‌زند؟

الف - غضب کردن جای معتکفین،

ب - در حال اعتکاف لباس غصبی پوشیدن،

ج - غصبی بودن زمین مسجد،

د - غصبی بودن فرش مسجد.

ج - اگر چه تصرف در مال غصبی حرام است، اما در کلیه موارد به صحّت اعتکاف ضرر نمی‌رسد.

(س ۷۳) ارتکاب کدام یک از محرّمات اعتکاف، اعتکاف را باطل می‌کند؟ اگر یکی از محرّمات اعتکاف را سهواً مرتکب شود به صحّت اعتکاف ضرری وارد می‌کند؟

ج - همه محرّمات اگر عمداً انجام گیرد موجب بطلان اعتکاف نیز هست، اما اگر سهواً انجام گیرد احتیاط در اتمام و قضا اعتکاف واجب معین است، و از سر گرفتن اعتکاف در غیر

واجب معین اگر در دو روز اول باشد، و اتمام و از سر گرفتن اعتکاف اگر در روز سوم باشد.
(س ۷۴) اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند تکلیفش چیست؟ اعتکاف او چه حکمی دارد؟
ج - باید به اعتکافش ادامه دهد و اعتکافش صحیح است.

(س ۷۵) حکم طلاق و ازدواج در حال اعتکاف چیست؟
ج - فی حدّ نفسه مانعی ندارد، اما با توجه به این که احتیاط مستحبّ در ترک محرّمات اِحرام در حال اعتکاف است مکروه است، چون احتیاط در ترک محرّمات اِحرام بود.
(س ۷۶) اگر در حال اعتکاف واجب، سهواً یا عمداً جماع کند، در مورد قضا یا اعاده اعتکاف، تکلیف چیست؟ اگر اعتکاف مستحبّ باشد حکم چگونه است؟

ج - اگر عمداً جماع کند اعتکافش باطل است، و اگر واجب معین باشد باید قضا کند، و اگر واجب غیر معین باشد باید اعتکاف را از اول آغاز نماید؛ اگر اعتکاف مستحبّ باشد و بعد از

اکمال دو روز اوّل باشد باید قضا نماید، و امّا
اگر قبل از اتمام دو روز اوّل باشد نباید قضا
نماید، و امّا اگر سهواً جماع نماید از جواب ۷۳
معلوم شد.

(س ۷۷) اگر یکی دیگر از محرّمات اعتکاف غیر از جماع
را عمداً یا سهواً انجام دهد و نیز در مورد لمس کردن و
بوسیدن با شهوت که از روی سهو باشد، در هریک از
موارد زیر حکم چیست؟

الف - اگر اعتکاف واجب معین باشد،

ب - اگر اعتکاف واجب غیر معین باشد،

ج - اگر اعتکاف مستحبّ باشد و در دو روز اول مرتکب
یکی از محرّمات مورد سؤال شود،

د - اگر اعتکاف مستحبّ باشد و در روز سوم مرتکب یکی
از محرّمات مورد سؤال شود.

ج - فرقی بین جماع و غیر آن از محرّمات
نیست و پاسخ از جواب ۷۳ معلوم است.

(س ۷۸) در اعتکاف مستحبّ اگر روز سوم یکی از
مفسدات اعتکاف از شخص سرزنند، آیا قضای آن را
بایستی بجا آورد؟

ج - با فرض افساد در روز سوم قضای آن واجب است.

(س ۷۹) آیا واجب است که قضای اعتکاف را فوراً به جا آورد؟

ج - واجب نیست.

(س ۸۰) اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید، آیا قضا بر او واجب است؟

ج - آری قضا بر او واجب است.

(س ۸۱) اگر شخص معتکف در اثنای اعتکاف واجب - به نذر یا مثل آن - بمیرد آیا قضای آن بر ولی او واجب است؟

ج - قضای اعتکاف بر ولی واجب نیست.

(س ۸۲) اگر اعتکاف واجب یا مستحب را با جماع باطل کند، کفاره بر او واجب است؟ آیا ارتکاب این عمل در شب یا روز، فرقی در حکم ایجاد می کند؟ آیا ارتکاب این عمل در دو روز اول یا روز سوم، فرقی در حکم ایجاد می کند؟

ج - آری در اعتکاف واجب، کفاره بر او واجب می شود، و اگر در ماه مبارک رمضان و یا قضای روزه رمضان باشد و بعد از زوال باشد، دو کفاره

بر او واجب می‌شود؛ و اما اگر اعتکاف مستحبّ باشد و قبل از اتمام دو روز اوّل باشد کفّاره واجب نیست، اگر چه احتیاط مستحبّ در دادن کفّاره است.

(س ۸۳) آیا برای ادای کفّاره، اولویّتی در موارد کفّاره - آزاد کردن برده، دو ماه روزه گرفتن، ۶۰ فقیر را اطعام کردن - وجود دارد؛ یعنی بهتر باشد که مثلاً ۶۰ روز روزه بگیرد و اگر نتوانست مورد دیگر را انجام دهد؟

ج - اگرچه در کفّاره مخیر است، اما احتیاط مستحبّ در ترتیب کفّاره است.

(س ۸۴) آیا باطل کردن اعتکاف به وسیله جماع و سایر محرّمات، کفّاره دارد؟ اگر کفّاره دارد، آیا مثل کفّاره ماه مبارک رمضان است؟

ج - فقط افساد اعتکاف با جماع، کفّاره دارد و کفّاره آن مانند کفّاره ماه رمضان است.

(س ۸۵) اگر نذر کند در ماه مبارک رمضان معتکف شود، سپس در ماه مبارک رمضان روزه خود را با جماع باطل کند، چند کفّاره براو واجب می‌شود؟

ج - سه کفّاره بر او واجب می‌شود.

(س ۸۶) اگر روزه قضا را در هنگام اعتکاف واجب بگیرد و سپس روزه خود را بعد از ظهر باطل کند، چند کفّاره بر او واجب است؟ اگر اعتکاف مستحبّ باشد، حکم چگونه است؟

ج - اگر با جماع باطل کند دو کفّاره، و با غیر جماع یک کفّاره، و در اعتکاف مستحبّ فقط یک کفّاره است.

بخش دوم در فضیلت ایّام البیض

سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب
و اعمال و آداب اعتکاف

فضیلت ماه رجب و لیالی بیض

ماه رجب از ماههای حرام و بسیار پر فضیلت است و رحمت الهی در این ماه بر اُمت پیامبر فرو می‌ریزد، این ماه، یاد بهترین خلق خدا را در خاطره‌ها زنده می‌کند، یاد پیامبر خدا ﷺ که بعثت او بهترین هدیه‌ی عالم هستی و عزیزترین آنهاست، در بیست و هفتم این ماه قرار گرفته است.

یاد امیرمؤمنان علیه السلام که قدوم مبارک ولادت آن حضرت در سیزدهم ماه از کعبه معظمه، چشم جهانیان را نواخته است.

یاد و خاطره غم بار شهادت باب الحوائج حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در بیست و پنجم این ماه است. اینها نمونه‌ای از عظمت و حوادث تاریخی روزهای این ماه شریف است.

بنابراین، از مجموع بیانات نورانی معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود که این ماه، ماه عبادت و ماه تهذیب نفس و خودسازی و سیروسلوک الی الله است و کافی است مؤمنین قدر و منزلت آن را دانسته و به اعمال عبادی این ماه، خصوصاً «ایام البیض» که در قالب اعتکاف مرسوم شده است اقدام نموده و از آن بهره کافی بگیرند.

اما اعمال وارده در لیالی بیض:

شب سیزدهم ماه: امام صادق علیه السلام فرمود:
«خداوند به این امت سه ماه ارزشمند عطا کرد،

که به اَمّت‌های قبل نداده بود و آن ماهها: رجب، شعبان و ماه رمضان است و سه شب نیز به این اَمّت عنایت کرد که به اَمّت‌های پیشین نداده بود و آن شب‌های: سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و همچنین سه سوره به این اَمّت عطا کرد که به اَمّت‌های سابق نداده بود و آن سوره‌های: «یس»، «مُلک» و «توحید» است، از این رو، هر کس که میان این سه فضیلت جمع کند، میان بهترین عطا‌های این اَمّت جمع کرده است».

از امام علیه السلام سؤال شد: چگونه می‌توان میان آنها جمع کرد؟ فرمود:

«در لیالی بیض شب‌های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب در این سه ماه نماز بخواند؛ به این نحو که: در شب سیزدهم، دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی پس از سوره‌ی «حمد» این سه سوره «یس»، «ملک» و «توحید» را بخواند. و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز

بگذارد (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند. و در شب پانزدهم، شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند.

امام علیؑ در فضیلت این نمازها فرمود:

«هر کس چنین کند فضیلت این سه ماه را به دست آورده و خداوند همه‌ی گناهانش را - جز شرک - می‌آمرزد»^۱.

روز سیزدهم ماه: روز سیزدهم ماه رجب مصادف با ولادت امیرالمؤمنین علیؑ است و اولین روز از ایام البیض است. روزه گرفتن در این روز، و دو روز بعد، ثواب فراوانی دارد.^۲ و هر کس که بخواند عمل «أم داود» را بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد.
روز چهاردهم ماه: روزه گرفتن در این روز پاداش

۱. اقبال، ص ۶۶۵.

۲. اقبال، ص ۶۵۶.

فراوانی دارد. در روایتی از رسول خدا ﷺ است
می فرماید:

«هر کس که روز چهاردهم ماه رجب را روزه
بگیرد، خداوند پاداشی به وی عنایت کند که نه
چشمی دیده و نه گوش شنیده و نه بر قلبی
خطور کرده باشد!...»^۱

شب نیمه‌ی ماه رجب: این شب، شب ارزشمندی
است که چند عمل در آن وارد شده است:
اول: غسل.

دوم: شب زنده داری به عبادت که فضیلت بسیار
دارد.

سوم: زیارت امام حسین علیه السلام که زیارت آن حضرت
در شب و روز نیمه‌ی رجب مورد تأکید قرار گرفته است.
چهارم: شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت با
یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و
«توحید» را بخواند.

پنجم: بجا آوردن سی رکعت نماز، که در هر رکعت

۱. اقبال، ص ۶۵۵.

یک مرتبه «حمد» و ده مرتبه سوره‌ی «توحید» را بخواند، در روایتی از رسول خدا ﷺ پادشاه فراوانی برای این نماز ذکر شده است.^۱

ششم: دوازده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار «حمد» و یک بار «توحید» را می‌خواند و پس از پایان نمازها هر یک از سوره‌های «حمد»، «فلق»، «ناس»، «توحید» و «آیة الکرسی» و همچنین سوره‌ی «قدر» را چهار مرتبه می‌خواند و پس از آن، چهار مرتبه می‌گوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. سپس می‌گوید: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

این نماز را «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. روز نیمه‌ی رجب: روز مبارکی که در آن چند عمل وارد شده است:

۱. اقبال، ص ۶۵۶.

۱. غسل کردن.

۲. زیارت امام حسین علیه السلام. در روایتی از محمد بن
ابی نصر نقل شده است که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم:
در چه ماهی زیارت امام حسین علیه السلام بهتر است؟ فرمود:
«در نیمه‌ی رجب و نیمه‌ی شعبان»^۱.

۳. بجا آوردن نماز جناب حضرت سلمان.^۲

۴. چهار رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت به یک

۱. مصباح‌المتهجد، ص ۸۰۷.

۲. نماز حضرت سلمان را که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به وی آموخت،
به این نحو است: ده رکعت نماز بجا می‌آوری (هر دو رکعت به یک
سلام) و در هر رکعت، یک مرتبه «حمد»، سه مرتبه «توحید» و
سه مرتبه «کافرون» را می‌خوانی و بعد از سلام نماز، دستها را بلند
می‌کنی و می‌گویی: «لا اله الا الله، وخذة لا شریک له، له المُلک و له
الْحَمْدُ، یُحیی و یُمیت، وَهُوَ حَی لا یَمُوت، بیده الخیر وَهُوَ عَلی
کُلِّ شَیْءٍ قَدیر؛ معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد،
خاص اوست فرمانروایی، و مخصوص اوست ستایش، می‌میراند و
زنده می‌کند، و اوست زنده‌ای که نمیرد، هر چه خیر است بدست
اوست، و او بر هر چیز توانا است، اِلَهاً واحِداً اَحِداً فَرِداً صَمِداً، لَمْ
یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلا وِلِداً؛ آن معبود یگانه یکتای فرد بی‌نیازی که
نگرفته است همدم و نه فرزندی. آنگاه دست‌ها را به صورت می‌کشی.
البته این نماز در روز اول ماه رجب و همچنین در آخر این ماه به
نحوی که بیان گردید از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است.

سلام) و پس از سلام دستهای خود را بگشاید و این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ يَا مُدَلِّ كُلَّ جَبَّارٍ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، اَنْتَ كَهْفِي
حِيْنَ تُعَيِّنِي الْمَدَاهِبُ، وَاَنْتَ بَارِيْ خَلْقِي رَحْمَةً بِي، قَدْ
كُنْتُ عَنِ خَلْقِي غَيِّبًا، وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ
الْهَالِكِيْنَ، وَاَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلٰى اَعْدَائِي، وَلَوْ
لَا نَصْرُكَ اِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوْحِيْنَ، يَا مُرْسِلَ
الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَمُنْشِي الْبَرَكَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، يَا
مَنْحَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوْخِ وَالرَّفْعَةِ، فَاَوْلِيَآؤُهُ بِعِزِّهِ
يَتَعَزَّزُوْنَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوْكَ نَبِيَّ الْمَدَلَّةِ
عَلٰى غَنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُوْنَ، اَسْأَلُكَ
بِكَيْنُوْنِيَّتِكَ الَّتِي اَشْتَقُّهَا مِنْ كِبْرِيَاؤِكَ وَاَسْأَلُكَ
بِكِبْرِيَاؤِكَ الَّتِي مِنْ عِزَّتِكَ، وَاَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي
اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلٰى عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيْعَ
خَلْقِكَ، فَهُمْ لَكَ مُدْعِنُوْنَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
بَيْتِهِ.

خدایا ای خوارکننده هر ستمکار سرکش و ای

عزت بخش مؤمنان تویی پناهگاه من در آن
هنگام که از راهها وامانده و تویی که از روی
مهری که به من داشتی به خلقت من دست زدی
در صورتی که از خلقتم بی‌نیاز بودی و اگر مهر
تو نبود بطور مسلم من در زمره نابودان بودم و
تویی که مرا بوسیله یاری دادن بر دشمنانم
کمک دهی و اگر یاری تو نبود بطور حتم من
از رسوایان بودم ای فرستنده رحمت از
معدنهای آن و ای پدید آورنده برکت از جاهای
آن ای که مخصوص داشت خود را به بلندی
مقام بر گردن نهاده‌اند و از سطوتهای او ترسانند
از تو خواهم به حق بود کردنت که آنرا از
کبریای خود جدایش کردی و از تو خواهم به
حق کبریایت که آن را از عزتت برگرفتی و از
تو خواهم به حق عزتت که بوسیله آن بر عرش
مستولی گشتی و بدان سبب همه خلق خود را
آفریدی و همه به خدائیت اعتراف دارند که
درود فرستی بر محمد و خاندانش.

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که:

«هر غم زده و اندوهگینی این دعا را بخواند، خداوند متعال اندوه و غم او را برطرف می‌سازد».^۱

۵. انجام عمل أمّ داود. به گفته‌ی علامه‌ی مجلسی: «شیخ صدوق»، «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» (ره) به سندهای معتبر آن را نقل کرده‌اند.^۲

سبب نامگذاری «عمل أمّ داود»

اجمال این روایت و سبب نامگذاری آن به «أمّ داود» چنین است:

جناب فاطمه، مادر داود بن حسن (نوه‌ی پسر امام حسن مجتبی علیه السلام) دایه‌ی امام صادق علیه السلام بود، که فاطمه، امام صادق علیه السلام را با شیر داود، شیر داده بود، هنگامی که

۱. اقبال، ص ۶۵۷.

۲. زاد المعاد، ص ۲۱.

«محمد بن عبدالله بن حسن» در مدینه قیام کرد، «منصور دوانیقی» لشکری را برای نبرد با آنان فرستاد که آنها را شکست دادند و محمد و برادرش ابراهیم را کشتند، و عبدالله بن حسن و جمعی از سادات را دستگیر نموده و به زندان عراق منتقل کردند، در میان آن گروه «داود» نیز حضور داشت.

مادر داود می گوید: چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری به من نرسید، بسیار پریشان شدم و پیوسته تضرع و دعا می کردم و از صلحا و نیکان و برادران دینی برای نجات فرزندم طلب دعا می نمودم، ولی نتیجه ای نمی گرفتم و گاهی خبر کشته شدن داود به من می رسید و گاه می گفتند که وی زنده است. روز به روز اندوه و مصیبت من بیشتر می شد و از دیدار او نا امیدتر می شدم. تا آن که شنیدم امام صادق علیه السلام بیمار شده است. به عیادت آن حضرت رفتم، وقتی خواستم برخیزم، امام فرمود:

از داود چه خبر داری؟ من وقتی که نام «داود» را شنیدم، گریستم و گفتم: فدایت شوم، داود در عراق

زندانی است، من که از دیدار او نا امیدم! از شما التماس
دعا دارم، او را دعا کنید، او برادر رضاعی شماست!
امام علیه السلام فرمود: چرا از دعای «استفتاح» و دعای
«اجابت» و «نجاح» غافل! این دعا، دعایی است که
درهای اجابت الهی را می گشاید و فرشتگان از آن
استقبال می کنند و دعا کننده را به اجابت دعایش،
بشارت می دهند و کسی که این دعا را بخواند، پاداش او
بهشت است.

پرسیدم: این دعا و عمل به آن چگونه است؟
امام علیه السلام فرمود: ماه رجب نزدیک شده است و این
ماه، ماهی ارزشمند است و دعاها در آن به اجابت
می رسد، در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب،
روزه بگیر!

امام علیه السلام در ادامه نحوه ای اعمال را بیان کرد و فرمود:
این دعا، بسیار شریف و پر ارزش است که مشتمل بر
اسم اعظم خداست و هر کس آن را بخواند، حاجت او
برآورده می شود.

أم داود می گوید: آن حضرت، دعا را برای من

نوشت، من آن را به خانه بردم و انجام دادم تا آن که در شب شانزدهم، پس از افطار و عبادت به خواب رفتم؛ رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم، آن حضرت، علاوه بر بشارت بهشت و آمرزش گناهان، خبر آزادی و بازگشت فرزندم را به من داد؛ چند روزی نگذشت که پسرم آزاد شد و با عزت و احترام نزدم بازگشت و جریان آزادی خود و اموری را که سبب آن شد، برای من تعریف کرد.^۱

کیفیت «عمل امّ داؤد»:

عمل «امّ داؤد» که عمده اعمال و مهمترین اعمال روز نیمی رجب است و برای برآمدن حاجات و رفع اندوه و غم، حل مشکلات و دفع ظلم ستمگران بسیار مؤثر است، دارای آداب مخصوصی می باشد، از جمله این که:

۱. دعا کننده در روزهای سیزدهم و چهاردهم و

۱. زاد المعاد، ص ۲۱ - ۲۴ (با تلخیص و تصرف) و اقبال، ص ۶۵۸.

پانزدهم رجب را روزه بگیرد

۲. هنگام زوال غسل کند.

۳. نماز ظهر و عصر را بعد از زوال بجا آورد در حالتی که رکوع و سجودش نیکو و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را به خود مشغول نسازد و با انسانی هم تکلم نکند.

۴. رو به قبله باشد.

۵. سوره‌های مخصوص ذیل را به ترتیب بخواند:

۶. الف: هر کدام از سوره «حمد» و «توحید» را صد مرتبه بخواند.

ب: «آیه الکرسی» را ده مرتبه بخواند.

بعد از اینها:

ج: سوره «أنعام» و «اسراء» و «کھف» و «لقمان» و «یس» و «صافات» و «فصلت» و «شوری» و «دخان» و «فتح» و «واقعہ» و «ملک» و «قلم» و «انشقاق» تا آخر قرآن را تلاوت نماید.

۷. پس از موارد فوق و تلاوت قرآن، در حالتی که رو به قبله است دعای اُمّ داود را بخواند. این دعا که از

انفاس قدسی و ملکوتی امام صادق علیه السلام تراوش نموده
است و شباهت‌های زیادی به دعای جوشن کبیر دارد،
از حیث محتوا دارای دو بخش است:

بخش اول، در برگیرنده عقاید اسلامی از
جمله: توحید باری تعالی، صفات خداوند و نبوت و...
می‌باشد.

بخش دوم، در بر دارنده عرفان ناب شیعه است.

دعای «أم داود»:

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ،
الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،
وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ
مِنَ الشَّاهِدِينَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ

الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ التَّعَمُّةُ، وَلَكَ
الْعِظْمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ،
وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ، وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ
التَّقْدِيسُ، وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يُرَى
وَلَكَ مَا لَا يُرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى، وَ
لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلَكَ
الْآخِرَةُ وَالْأُولَى، وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ
وَالشُّكْرِ وَالتَّعْمَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرَائِيلَ أَمِينِكَ
عَلَى وَحْيِكَ، وَالْقَوَى عَلَى أَمْرِكَ، وَالْمُطَاعِ فِي
سَمَاوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ، الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ،
النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ، الْمُدْمِرِ لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مِيكَائِيلَ مَلِكِ رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ
وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُسْتَنْظِرِ

لَأْمُرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خَيْفَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ
الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى
مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ، وَخَزَنَةِ النَّيرانِ، وَمَلَكَ الْمَوْتِ
وَالْأَعْوَانِ. يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
أَبِينَا آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ،
وَأَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ
مِنَ الرَّجْسِ الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ، الْمُفَضَّلَةِ مِنَ
الْإِنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
هَابِيلَ وَشِيثِ، وَإِدْرِيسَ وَنُوحَ، وَهُودَ وَصَالِحَ، وَ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ
وَالْأَسْبَاطِ، وَلُوطَ وَشُعَيْبَ، وَأَيُّوبَ وَمُوسَى،
وَهَارُونَ وَيُوشَعَ، وَمِيشَا وَالْخَضِرَ، وَذِي الْقَرْنَيْنِ
وَيُونُسَ، وَالْيَاسَ وَالْيَسَعَ، وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ،

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ، وَزَكَرِيَّا وَشَعِيًّا، وَيَحْيَىٰ وَتُورَخَ،
وَمَتَّى وَارْمِيَا، وَحَيْثُوقَ وَدَانِيَالَ، وَعَزَيْرَ وَعَيْسَى،
وَشَمْعُونَ وَجَرَجِيْسَ، وَالْحَوَارِيْنَ وَالْأَتْبَاعَ، وَخَالِدِ
وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،
وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَاٰلِ
اِبْرٰهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْاَوْصِيَاءِ
وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَاَيِّمَةِ الْهُدٰى، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
الْاَبْدَالِ وَالْاَوْتَادِ، وَالسِّيَّاحِ وَالْعِبَادِ، وَالْمُخْلِصِيْنَ
وَالرُّهَادِ، وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا
وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكِرَامًا، حَتّٰى
تُبَلِّغَهُ اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّيْنَ
وَالْمُرْسَلِيْنَ، وَالْاَفْضَلِ الْمُقْرَبِيْنَ، اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى
مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ،

وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى
أَزْوَاجِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى
دُعَايِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ، وَبِكَرَمِكَ
إِلَى كَرَمِكَ، وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى
رَحْمَتِكَ، وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا
سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ،
وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُحَيَّبَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ،
يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا
جَمِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ، يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ، يَا
مُنِيرُ يَا مُبِيرُ، يَا مَنِيْعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ،
يَا بَصِيرُ يَا كُورُ، شَيْءٌ بَرُّهُ يَا طَهْرُ، يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا
ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ، يَا مُقْتَدِرُ يَا حَافِظُ، يَا
مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ، يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ، يَا مُبْدِيُ يَا
مُعِيدُ يَا شَهِيدُ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ،

يا قابض يا باسط، يا هادي يا مُرسل يا مُرشد، يا
مُسدّد يا مُعطي، يا مانع يا دافع، يا رافع، يا باقي يا
واقي، يا خلاق يا وهاب يا تواب، يا فتاح يا نفاع يا
مُرتاح، يا مَنْ بيده كُلُّ مُفتاح، يا نفاع يا رؤف يا
عطوف، يا كافي يا شافي، يا مُعافي يا مُكافي، يا وافي يا
مُهَيِّم، يا عزيز يا جبار يا مُتكبر، يا سلام يا مُؤمّن،
يا أحد يا صمد، يا نور يا مُدبّر، يا فرد يا وئر، يا
قُدوس يا ناصر، يا مُونس يا باعث يا وارث، يا عالم
يا حاكم، يا بادي يا مُتعالى، يا مُصوّر يا مُسلّم يا
مُتَحَبّب، يا قائم يا دائم، يا عليم يا حكيم، يا جواد يا
باريء، يا بارّ يا سارّ، يا عدلّ يا فاصل، يا ديان يا
حنان يا منان، يا سميع يا بديع يا خفيّر، يا مُعين مُغيّر
ياناشر، يا غافر يا قديم، يا مُسهّل يا مُيسّر، يا مُميت يا
مُحيي، يا نافع يا رازق، يا مُقتدر يا مُسبّب، يا مُغيث يا

مُغْنِي، يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ، يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ،
يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ، يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ، يَا عَائِدُ يَا
قَابِضُ، يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى، فَكَانَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا
مَنْ قَرَّبَ قَدْنَا، وَبَعَدَ فَنَائِي، وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى، يَا
مَنْ الْبَيْهَ التَّدْيِيرُ وَلَهُ الْمُقَادِيرُ، وَيَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ
[سَهْلٌ] يَسِيرُ، يَا مَنْ هُوَ يَشَاءُ قَدِيرُ، يَا مُرْسِلَ
الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ، يَا
ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ يَا رَادَّ مَا قَدَفَاتِ، يَا نَاشِرَ
الْأَمْوَاتِ، يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ [بِغَيْرِ
حِسَابٍ]، وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ، وَيَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا حِينَ لَا
حَيَّ، يَا حَيُّ يَا مُجِيبَ الْمُتَوَنِّي، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَ

بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،
وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَفَقْرِي، وَأَنْفِرَادِي وَوَحْدَانِي،
وَحُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ، وَتَضَرُّعِي
إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ، الْخَاشِعِ الْخَائِفِ،
الْمُسْتَفِيقِ الْبَائِسِ، الْمَهِينِ الْحَقِيرِ، الْجَائِعِ الْفَقِيرِ، الْعَائِدِ
الْمُسْتَجِيرِ، الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ، الْمُسْتَكِينِ
لِرَبِّهِ، دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمْتُهُ ثِقْتَهُ، وَرَفَضْتُهُ أَحِبَّتَهُ، وَعَظَّمْتَ
فَجِيعَتَهُ دُعَاءَ حَرِيقِ حَزِينٍ، ضَعِيفِ مَهِينٍ، بَائِسِ
مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ،
وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ
قَدِيرٌ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ
الْحَرَامِ، وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ،

يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا، وَإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ
إِسْحَاقَ، وَيَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ، وَيَا مَنْ
كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ صُرَايَ أَيُّوبَ، يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى
أُمِّهِ، وَزَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ، وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ
سُلَيْمَانَ، وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى، وَلِمَرْيَمَ عِيسَى، يَا حَافِظَ بِنْتِ
شُعَيْبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا،
وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ، وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ، وَأَمَانَكَ
وَإِحْسَانَكَ، وَغُفْرَانَكَ وَجَنَانَكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَفُكَّ
عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ
بَابٍ، وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ، وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ،
وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ، وَتَكْتُمَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ،
وَتَكْتُمَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ، وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ
ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يُحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي،

وَمُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ، وَيُبْطِئَنِي عَنْ
عِبَادَتِكَ، يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَقَهَرَ عْتَاةَ
الشَّيَاطِينِ، وَأَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ، وَرَدَّ كَيْدَ
الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ
عَلَى مَا تَشَاءُ، وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، أَنْ
تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيهَا تَشَاءُ.

درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او
نیست زنده و پاینده و صاحب جلال و بزرگواری
است بخشاینده و مهربان بردبار و کریم است آنکه
مانندش چیزی نیست و او شنوا و دانا و بینا و آگاه
است، گواه است خدا که معبودی جز او نیست و
فرشتگان و دانشوران گواهی داده‌اند که خدایی جز او
نیست که عدالت بدو پایدار است و او عزیز و حکیم
است و پیمبران بزرگوارش نیز آنرا به مردم رساندند و
من بر این مطلب گواهی دهم خدایا از آن تو است

ستایش و از آن تو است مجد و برای تو است عزت و
خاص تو است افتخار و شایسته تو است قهر و سطوت و
مخصوص تو است نعمت از آن تو است عظمت و
مخصوص تو است رحمت و برای تو است شکوه و
خاص تو است سلطنت و از آن تو است درخشندگی و
مخصوص تو است نعمت بخشی و برای تو است پاکی و
از آن تو است پاکیزگی و برای تو است یکتایی و
مخصوص تو است بزرگی و ملک تو است آنچه دیده
شود و آنچه دیده نشود و از تو است آنچه بالای
آسمانهای بلند است و از تو است آنچه زیر زمین است
و از تو است زمینهای زیرین و از آن تو است دنیا
و آخرت و مخصوص تو است آن و حمد و ثنا و شکری
که تو بیسندی و آنچه نعمت است نیز از تو است خدایا
درود فرست بر جبرئیل امین بر وحی تو و نیرومند در
کار تو و آنکس که در آسمانها و جایگاههای
کرامتهایت فرمانش برند آن کس که سخنان تو را
برساند یاور پیمبرانت و سرنگون کننده دشمنانت خدایا
درود فرست بر میکائیل فرشته رحمتت و آفریده شده

برای بردن مه‌رت و آمرزش‌خواه و کمک‌کار
فرمانبرانت خدایا درود فرست بر اسرافیل حمل‌کننده
عرش‌ت و صاحب‌صور آنکه چشم به راه دستور تو است
و نگران و بیمناک است از ترس تو خدایا درود فرست
بر حاملین پاکیزه عرش و بر سفیران گرامی و آن نیکان
پاک و بر فرشتگان بزرگوار و نویسنده و بر فرشتگان
بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته مرگ و
کمک‌کارانش ای صاحب جلال‌ت و بزرگواری خدایا
درود فرست بر پدر ما آدم پدیده‌خلقت که گرامیش
داشتی به سجده کردن فرشتگان‌ت و مباح‌کردی بر او
بهشتت را خدایا درود فرست بر مادر ما حواء که از
پلیدی پاک و از چرکی و آلودگی مصفا‌گشت و از
میان آدمیان برتری داشت و در میان جایگاههای قدسیان
رفت و آمد کرده خدایا درود فرست بر هابیل و شیث و
ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و
اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط (یعقوب) و لوط و
شعیب و ایوب و موسی و هارون و یوشع و میثا و خضر
و ذی‌القرنین و یونس الیاس و الیسع و ذا‌الکفل و

طالوت و داود و سلیمان و زکریا و و شعیا و یحیی و
تورخ و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و
شمعون و جرجیس و حواریین عیسی و پیروانشان و
خالد و حنظله و لقمان خدایا درود فرست بر محمد و
آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و
برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه درود
فرستادی بر و رحمت و برکت فرستادی بر ابراهیم و
آل ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار خدایا
درود فرست بر اوصیاء و اهل سعادت و شهیدان و
امامان راهنما خدایا درود فرست بر ابدال (دسته‌ای از
صلحاء) و اوتاد و سیاحان و پرستش کنندگان و مخلصان
و پارسایان و اهل جدیت و کوشش و مخصوص گردان
محمد و خاندانش را به بهترین درودهایت و فراوانترین
کرامتهایت و به روح و جسدش از جانب من تحیت و
سلامی برسان و فضل و شرافت و بزرگواریش را فزون
کن به حدی که او را به اعلی درجه اهل شرافت از
پیمبران و رسولان و فاضلان مقربت برسانی خدایا درود
فرست بر هر کس که من نام بردم و هر که از فرشتگان و

پیمبران و رسولان و فرمانبرداران را که من نام نبردم و دروهای مرا بر ایشان و بر ارواحشان برسان و آنان را برادران من در دین و کمک کارانم در دعای به درگاہت قرار ده خدایا من شفیع گردانم تو را پیش خودت و کرمیت را پیش کرمیت و جودت را پیش جودت و رحمتت را پیش رحمتت و اهل طاعتت را پیش درگاہت و از تو خواهم خدایا به هرچه یکی از آنها بوسیله آن تو را خواسته از سؤالهای شریفی که برنگشته و به آنچه تو را خوانده‌اند از دعای پذیرفته شده‌ای که به نومیدی نکشیده‌ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای کریم ای بزرگ ای با جلالت ای بخشنده ای زیبا ای سرپرست ای وکیل ای نادیده گیر ای پناه‌ده ای آگاه ای روشنی‌ده ای نابود کن ای علی ما والامقام ای چرخاننده ای جابجا کننده ای بزرگ ایتوانا ای بینا ای شکرپذیر ای نیکوکار ای پاک ای پاکیزه ای قاهر ای پیدا ای پنهان ای پرده پوش ای احاطه‌دار ای با اقتدار ای نگهبان ای دارای بزرگی ای نزدیک ای محبوب همه ای ستوده ای بزرگوار ای

پدیدآورنده ای بازگرداننده ای گواه ای احسان‌بخش ای
نیکو‌بخش ای نعمت‌بخش ای زیاده‌بخش ای گیرنده ای
گشایش‌ده ای راهنما ای فرستنده ای رهنمون ای
محکم‌کننده ای دهنده ای منع‌کننده ای جلوگیرنده ای
بلند‌کننده ای باقی ای نگهدار ای آفریننده ای بخشش
پیشه ای توبه‌پذیر ای گشاینده ای زیاده‌بخش ای
رحمت‌بخش ای که بدست او است هر کلید ای
سودرسان ای مهربان ای با‌عطوفت ای کفایت‌کننده ای
درمان‌بخش ای بهبودی‌بخش ای پاداش‌دهنده ای باوفا
ای نگهبان خلق ای با‌عزت ای جبار ای بزرگوار ای
سلامت‌بخش ای ایمنی‌بخش ای یکتا ای بی‌نیاز ای نور
ای مدبر کارها ای یگانه ای تنها ای پاکیزه ای یاور ای
همدم ای برانگیزنده ای ارث‌برنده ای دانا ای حکم
کننده ای آغازکننده ای برتر ای صورت‌بخش ای
سلامت‌بخش ای دوستی‌ورز ای قائم به کار خلق ای
جاویدان ای دانا ای فرزانه ای بخشنده ای آفریننده ای
نیکوکار ای شادی‌بخش ای داد‌گستر ای جداکننده ای
جزاده ای نعمت‌بخش ای عطا‌بخش شنوا ای

پدیدآورنده ای پناهنده ای یاور ای نشر دهنده ای آمرزنده
ای قدیم ای آسان کننده ای هموار کننده ای میراننده
ای زنده کننده ای سودده ای روزی ده ای با اقتدار ای
سبب ساز ای فریادرس ای بی نیاز کننده ای دارایی دهنده
ای آفریننده ای نگهبان ای یگانه ای حاضر ای
جبران کننده ای نگهدار ای استوار ای فریادرس ای
ثروت ده ای گیرنده ای که والایی و برتری و به دیدگاه
اعلایی ای که نزدیکی و بسیار هم نزدیک و دور است
و بسیار هم دور دانای سر و نهان ای که تدبیر امور با او
است و اندازه ها از او است و ای که دشوار برای او سهل
و آسان است ای که بر هر چه بخواهد توانا است ای
فرستنده بادها ای شکافنده سپیده صبح ای برانگیزاننده
ارواح ای صاحب جود و سخاوت ای برگرداننده آنچه
از دست رفته ای زنده کننده مردگان ای گردآورنده
پراکنده ها ای روزی ده بی حساب بهر که خواهی و ای
انجام دهنده هر چه بخواهی بهر طور که خواهی و ای
صاحب جلالت و بزرگواری ای زنده ای پاینده ای زنده
در آن هنگام که زنده ای نبود ای ای زنده کن مردگان

ای زنده که معبودی جز تو نیست دید آرنده آسمانها و
زمین ای معبود من و آقای من درود فرست بر محمد و
آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد
و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی
و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل
ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار و رحم کن به
خواری من و بیچار گیم و نداریم و تک و تنه ایم و
فروتیم در برابرت و اعتمادی که بر تو دارم و زاریم به
در گاهت تو را خوانم خواندن شخص فروتن خوار
خاشع ترسان هراسان پریشان بی مقدار کوچک گرسنه
فقیر پناهنده پناه خواه معترف به گناه آمرزش خواه از
گناه درمانده و زاری کننده به درگاه پروردگار و
خواندن شخصی که یاران مورد اعتمادش او را واگذار
ده و دوستانش او را رهها کرده و درد
جانسوزش بزرگ گشته خواندن شخص دلسوخته
غمگین ناتوان بی مقدار پریشان درمانده ای که به تو پناه
آورده خدایا از تو خواهم چون تویی فرمانروا و تو
چنانی که هر کاری را بخواهی می شود و تویی که بر

هر چه بخواهی توانایی و از تو خواهیم به حرمت این ماه
محترم و خانه محترم (کعبه) و شهر محترم (مکه و رکن
و مقام و مشعرهای بزرگ) (جاهای مناسک حج) و به
حق پیامبرت محمد علیه و آله السلام ای که شیث را به
آدم بخشیدی و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم دادی و
ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی و ای که پس از
مبتلا شدن ایوب ناراحتیش را برطرف کردی ای که
موسی را به مادرش برگرداندی و دانش خضر را افزون
کردی ای که دادی به داود سلیمان را و به زکریا یحیی
را و به مریم عیسی را ای نگهدار دختر شعیب ای
کفالت کننده فرزند مادر موسی از تو خواهیم که درود
فرستی بر محمد و آل محمد و گناهانم را بیامرزی و از
عذاب خود مرا در پناه گیری و مرا مستوجب خوشنودی
و ایمنی و احسان و آمرزش و بهشتت قرار دهی و از تو
خواهم که باز کنی برایم هر حلقه‌ای که میان من و میان
آزار کننده من است و بگشایی به رویم هر دری را و نرم
کنی برایم هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی
را و لال کنی از من زبان هر بدگو را و بازداری از من

هر زورگو را و خوار کنی دشمنان و حسودان مرا و بازداری از من هر ستمگری را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و حاجتم حائل شود و بخواهد که میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو باز دارد ای که مهار کردی جنیان نافرمان را و مقهور ساختی شیاطین سرکش را و گردن گردن کشان را به خواری کشاندی و نقشه‌های شوم مسلط شدگان را از ناتوانها بازگرداندی از تو خواهیم به حق توانایت بر هرچه خواهی و آسان کردنت هرچه را بهر نحو که خواهی که قرار دهی بر آوردن حاجتم را در هرچه خواهی.

آنگاه سجده کن بر زمین و دو طرف صورت خود را روی خاک (روی مهر) بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ اَمَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلِّي
وَفاقتي، وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي، وَمَسْكِنَتِي وَفَقْرِي
إِلَيْكَ يَا رَبِّ.

خدایا برای تو سجده می‌کنم و به تو ایمان دارم پس

رحم کن به خواری من و نداریم و سعی و کوشش و
زاری و بیچارگی ام و نیازم به درگاہت ای پروردگار.